

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۹-۱۴۲

چالش‌های صدرالممالک در اصلاح ساختار مالی- اداری آستان قدس رضوی (۱۳۲۵-۱۳۲۹)

علی نجف‌زاده^۱

چکیده

انقلاب مشروطه بر ابعاد گسترده‌ای از ساختارهای اجتماعی و اداری جامعه ایران اثر گذاشت. یکی از مهمترین نهادهای مذهبی ایران، آستان قدس رضوی بود که به سبب مشکلات داخلی‌اش تحت تأثیر آن واقعه قرار گرفت. آستان قدس دچار بحران مالی شده بود و برخی از مشروطه‌خواهان مشهد نیز خواستار اصلاح ساختار سنتی معیوب این نهاد موقوفه بودند. انتخاب صدرالممالک به عنوان متولی با توجه به سابقه اجدادی و شغلی و تغییر شرایط سیاسی جامعه پس از مشروطه، زمینه‌ساز اصلاحات در آستان قدس شد. این مقاله درصدد است تا اقدامات اصلاحی صدرالممالک در آستان قدس در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ را بررسی کند و نشان دهد که صدرالممالک چه اصلاحاتی در آستان قدس رضوی انجام داد و اولیای آستانه چرا و چگونه نسبت به اصلاحات او واکنش نشان دادند؟ نتایج این پژوهش که با تکیه بر اسناد و مطبوعات به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده، حاکی از آن است که صدرالممالک از محرم ۱۳۲۵ به عنوان متولی منصوب شد و پس از فراز و نشیب‌هایی تلاش کرد تا با اصلاح ساختار اداری و استقرار کابینه، وضعیت مالی و اداری این نهاد موقوفه را تغییر دهد. این کار او با مخالفت برخی از اولیای آستانه مواجه شد. مخالفان برای حفظ منافع خود هیات اصلاح خواهان آستانه رضوی را به وجود آوردند و به صورت منسجم دست به اقدامات تحریک‌آمیز و شایعه‌پراکنی و حتی تهدید زدند تا اینکه در نهایت پس از چهار سال موجب عزل صدرالممالک و ناکامی اصلاحات او شوند.

کلیدواژه‌ها: آستان قدس رضوی، صدرالممالک، مشروطه، مشهد.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. anajaf@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۹/۲۱

Şadr al-Mamalek's Challenges in Reforming the Financial and Administrative Structure of Āstān-e Qods-e Razavi (1325-1329)

Ali Najafzadeh¹

Abstract

The Constitutional Revolution had a widespread impact on the social and administrative structures of Iranian society. One of the most important religious institutions in Iran, the Āstān-e Qods-e Razavi, was affected by this event due to its internal problems. The Āstān-e Qods faced a financial crisis, and some constitutionalists in Mashhad also demanded reform of the flawed traditional structure of this endowed institution. The appointment of Şadr al-Mamalek as the trustee (Motevalli), considering his ancestral and occupational background and the changing political conditions in society after the Constitutional Revolution, paved the way for reforms in the Āstān-e Qods. This article aims to examine the reform measures undertaken by Şadr al-Mamalek in the Āstān-e Qods from 1325 to 1329 and demonstrate what reforms he implemented in the Āstān-e Qods-e Razavi and how the custodians of the holy shrine reacted to his reforms. The results of this research, based on descriptive-analytical analysis of documents and publications, indicate that Şadr al-Mamalek was appointed as the Motevalli from Muḥarram 1325, after various challenges, attempted to change the financial and administrative situation of this endowed institution by reforming its administrative structure and establishing a cabinet. However, his actions faced opposition from some of the custodians of the holy shrine. Opponents, to preserve their interests, created a reformist council for the Āstān-e Razavi (Heyate Eslāh Khahāne Āstāne Razavī), and engaged in coordinated provocative actions, spreading rumors, and even making threats until, ultimately, after four years, Şadr al-Mamalek was dismissed and his reforms failed.

Keywords: Āstān-e Qods-e Razavi, Şadr al-Mamalek, constitutional, Mashhad.

1. Assistant Professor, Department of History, University of Birjand, Birjand, Iran. anajaf@birjand.ac.ir

درآمد

آستان قدس رضوی در تاریخ طولانی خود به سبکی سنتی اداره می‌شد و ساختار اداری و اقتصادی آن کمتر دچار تغییر می‌شد. به همین جهت این ساختار برخی مواقع با مشکلات جدی مواجه می‌شد که گاهی به شکل بحران مالی بروز می‌کرد. پس از مرگ نادر شاه، سال‌های پیش از انقلاب مشروطه، سال‌های پس از جنگ جهانی اول، سقوط قاجار و سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۵ش مهمترین مقاطعی بودند که چنین مشکلاتی بروز کرده بود. برخی مواقع وضع مالی این نهاد موقوفه چنان آشفته می‌شد که متولیان برای اداره روزمره آن مجبور به استقراض می‌شدند. انقلاب مشروطه یکی از وقایع مهمی بود که بر وضع آشفته آستان قدس تأثیر گذاشت. در آن دوره، همزمان با تولیت صدرالممالک اصلاحاتی در آستان قدس انجام شد. صدرالممالک در پی انقلاب مشروطه حدود چهار سال متولی آن نهاد موقوفه بود. در آن ایام در اثر رقابت مشروطه‌خواهان و مستبدان مشکلات فراوانی در آستان قدس روی داده بود. تأثیر انقلاب مشروطه بر وضع آستانه، علل بروز بحران مالی آستانه، اصلاحات صدرالممالک در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹، واکنش‌ها، کشمکش‌ها و استدلال‌های مخالفان و موافقان آن اصلاحات، تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مقاله حاضر بر اساس اسناد و مطبوعات این موارد را بررسی کرده است.

پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره آستان قدس تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. علیزاده بیرجندی و ناصری (۱۳۹۱ش) در مقاله «تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع (مطالعه موردی: عصر قاجار)»، علاوه بر تشریح کارکرد متولیان به عوامل مؤثر بر ناکارآمدی آن در ترویج فرهنگ تشیع و سوءاستفاده‌های نامشروع متولیان اشاره کرده‌اند. اشارات کلی آنها فضای آشفته مالی آستان قدس را نشان می‌دهد ولی به سال‌های تولیت صدرالممالک نپرداخته است. کاظم‌بیگی (۱۳۹۹ش) نیز در مقاله «سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-»

۱۳۳۵ق))، به‌طور تخصصی چالش‌های آن موقوفه بزرگ را در زمان تولیت ظهیرالاسلام^۱ مورد کنکاش قرار داده است. مدیر شانه‌چی و خوش‌بین (۱۳۹۱ش) نیز در مقاله «نقش روسیه در سرکوب انقلاب مشروطه مشهد» به ریشه‌های مخالفت با مشروطه در مشهد و نقش روس‌ها در آن پرداخته و آستان قدس را به عنوان یکی از نهادهای مشروعه‌خواه معرفی کرده است. آنها فعالیت اولیای آستانه در سال‌های استبداد صغیر را مورد توجه قرار داده و به سال‌های تولیت صدرالممالک، اشاره نکرده‌اند.

در پژوهش‌های قدیم مرتبط با آستان قدس نیز به مسئله این مقاله چندان توجه نشده است. برخی به وضعیت بد مالی آستان قدس در زمان ظهیرالاسلام اشاره کرده ولی به اصلاحات صدرالممالک اشاره‌ای نکرده‌اند (احتشام کاویانیان، ۱۰۰). موتمن (۱۳۴۸ش) نیز در *تاریخ آستان قدس* به وضع آشفته مالی و مقروض بودن آستان قدس اشاره کرده ولی اصلاحات را از زمان تشکیل کمیسیون توسط کلنل پسیان مورد بررسی قرار داده و به اصلاحات صدرالممالک اشاره نکرده است. در پژوهش جدید نقدی (۱۳۹۹ش) نیز تنها به وجود نامه‌ها و شکایت‌هایی از سوی کارکنان آستان قدس اشاره شده است. از این‌رو مقاله حاضر بر اساس اسناد آستان قدس و مطبوعاتی نظیر *حبل‌المتین*، *ایران نو*، *نوبهار*، *خورشید و طوس* این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. شیوه پژوهش این مقاله، تاریخی و کتابخانه‌ای است و نویسنده تلاش کرده به شکل توصیفی-تحلیلی موضوع را بررسی کند.

آستان قدس رضوی در آغاز مشروطه

وضعیت آستان قدس در زمان انقلاب مشروطه همچون بسیاری از نهادهای مالی ایران نابسامان بود. مستوفی (۴۱) که در سال ۱۳۱۶ مهمان آستانه بود در این باره نوشته است: «هر دم بیلی کارهای مالی دولت به این کار نیمه دولتی و نیمه مذهبی هم سرایت کرده و املاک آستانه به ثمن بخش به تیول سرجنابان آستانه درآمده و برای اینکه

۱. حاج سید جواد ظهیرالاسلام فرزند سید زین‌العابدین ظهیرالاسلام در سال ۱۳۲۴ق نایب‌التولیه مسجد عالی سپهسالار بود. او داماد مظفرالدین شاه بود. او از ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵ و بار دیگر از ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۹ق متولی‌باشی آستان قدس شده بود (احتشام کاویانیان، ۴۳۶).

وجهه شرعی را هم به عقیده خود در آن منظور دارند، آقایان آستانه، اجازه‌نامه شرعی هم از متولی‌باشی^۱ که اکثر حکام بودند، می‌گرفتند، ولی مؤجر و مستاجر هر دو می‌دانستند که این مال‌الاجاره نصف بلکه ثلث و در پاره‌ای از موارد عشر عایدی واقعی ملک نیست». عین‌السلطنه (۲/ ۱۷۴۸) حدود یک دهه بعد در سال ۱۳۲۴ در گزارش سفر به مشهد، آستان قدس را از جهت آشفتگی با دربار قاجار مقایسه و به مراتب شلوغ‌تر از آن توصیف کرد و نوشت: «یک بیچاپ بیچاپ و بخور بخوری است که هزار رحمت به دربار». منافع و درآمد موقوفات حضرتی در آن زمان بالغ بر چهارصد تومان نقد و کلی جنس می‌شد، ولی با وجود این مبلغ، آستانه مقروض بود و سالی نبود که مبلغ گزافی به نام حضرت رضا^۷ به بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی روس مقروض و مدیون نباشد و علاوه بر آن تنزیل دوازده درصد گرفته می‌شد.

نابسامانی آستان قدس عوامل مختلفی داشت. متولی‌ها، خدام و مستاجران در آن مؤثر بودند. تولیت تمام موقوفه با شاه بود و او متولی‌باشی آستانه را تعیین می‌کرد. متولیان درآمد موقوفات را به مصارف تعیین شده می‌رساندند. متولیان نظیر قوام‌الملک^۲، میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک^۳، میرزا ابوالقاسم نصیرالملک^۴ و میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله^۵ اجازه

۱. متولی در لغت به معنای دوستی دارنده و کارپذیرنده است. گرداننده آستان قدس را در دوره قاجار متولی و متولی‌باشی می‌گفتند. متولی‌باشی از این جهت به‌کار برده می‌شد که این متولیان علاوه بر تولیت آستان قدس متولی برخی موقوفات دیگر نیز بودند. متولی باشی از زمان انتصاب محمدولی اسدی تغییر کرد و رضا شاه عنوان متولی‌باشی را به نیابت تولیت تبدیل کرد (احتشام کابیان، ۴۳۹؛ نقدی، ۳۷۰).

۲. میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک شیرازی فرزند حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله که در سال ۱۳۴۵ لقب قوام‌الملک را دریافت کرد، در سال ۱۲۷۹ به عنوان متولی‌باشی آستان قدس منصوب شد. او در اواسط محرم ۱۲۸۲ در مشهد درگذشت (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۸۷).

۳. میرزا سعیدخان اشلیقی گرمودی فرزند میرزا سلیمان شیخ‌الاسلام متولد سال ۱۲۳۱، در سال ۱۲۶۸ به عنوان سرپرست وزارت امور خارجه منصوب و لقب مؤتمن‌الملک را دریافت کرد. او از سال ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۷ متولی آستان قدس شد و بعد از مرگ در سال ۱۳۰۱، در دارالسعاده حرم دفن شد (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۰۰).

۴. میرزا ابوالقاسم نصیرالملک شیرازی فرزند حاج عبدالله خان و نوه حاج ابراهیم اعتمادالدوله شیرازی ملقب به نصیرالملک از سال ۱۳۱۹ تا اواسط ۱۳۲۰ متولی باشی آستان قدس بود (همان، ۱۲۲).

۵. عبدالوهاب آصف‌الدوله شیرازی فرزند محمدجعفر خان، مدتی در وزارت خارجه فعالیت کرد و در سال ۱۳۰۱ از ناصرالدین شاه لقب آصف‌الدوله گرفت. او در ذیقعد ۱۳۰۱ متولی‌باشی آستان قدس شد و در ۱۳۰۳ از این سمت

عمومی مصرف موقوفات را از مجتهد مسلم زمان می‌گرفتند. ولی همزمان با مشروطه، والیان- متولی‌باشی در امور چندان دخالت نمی‌کردند (مستوفی، ۴۱). علت پریشانی اوضاع در سی سال قبل از مشروطه، سیاست حراج تولیت از سوی دربار بود. متولی که این منصب را به مبلغ زیادی خریداری می‌کرد، خود را در تصرف غیرمشروع موقوفات مطلق‌العنان می‌دانست و امنای آستان قدس هم به ناچار تابع خیالات او می‌شدند. اگر کسی به خرابی امور اعتراض می‌کرد، چون کار از سرچشمه خراب بود کارها به تعارف می‌گذشت. آستان قدس از لحاظ خرابی اوضاع نسخه دوم ادارات دولتی بود و گاهی برای مواجب خدام پول قرض می‌کردند (خورشید، شماره ۱۴۲، سال دوم، ۱).

خدام، عامل دیگر نابسامانی اوضاع آستان قدس بودند. در گذشته خدمت در آنجا از جمله عبادات و برای کسب فیض بود. این مقام مختص متدینین خدا ترس نظیر علمای اعلام، سادات عظام و یا اشخاص زاهد بود. ولی امتیاز فضل و دین به تدریج از بین رفت و تولیت جهت جلب نفع شخصی خدماتی نظیر خادمی، فراشی و درباری را در عوض مبلغی پیشکش به هر کس می‌داد. رابطه بین والی و تولیت نیز از عوامل تأثیرگذار بر این مسئله بود. به‌خصوص وقتی تولیت را جزو ایالت قرار دادند و بخشش‌های دفترخانه ایالت به آستان قدس محول شد، هرکس از ایالت توقعی داشت به آستانه حواله داده می‌شد. به همین جهت مخارج آن زیاد شد (خورشید، شماره ۱۴۲، سال دوم، ۳).

اولیای آستان قدس که جزو مستأجران بودند، نقش مهمی در بحران مالی داشتند. آنها اراضی حاصلخیز وقفی را به ثمن بنخس اجاره، و در پرداخت همان مبلغ ناچیز اجاره نیز مسامحه می‌کردند. کار محاسبات آستانه هم مثل محاسبات عمومی کشور، به حواله و قبض و برات می‌گذشت. برات مواجب خدام و کارکنان حواله مستأجرین می‌شد و هیچ‌وقت در صندوق آستان قدس پولی نبود که به مصرف امور خیریه برسد. به همین جهت برای برخی مصارف با تصویب متولی‌باشی و قائم مقام‌التولیه از بانک‌های خارجی قرض می‌شد. گاهی این قرض به ۱۰۰ هزار تومان هم می‌رسید. این در حالی بود که متنفذین و رؤسای آستانه از راه اجاره و تیولداری، تمول عجیبی به‌هم‌زده بودند (مستوفی، ۴۱).

صدرالممالک در تولیت آستان قدس رضوی

با وقوع انقلاب مشروطه، شرایط مشهد و آستان قدس نیز تغییر کرد و امید به دگرگونی افزایش یافت. موضوع اصلاحات به سبک مشروطه از زمان کاظم آقا تبریزی، داماد مظفرالدین شاه، متولی آستان قدس مطرح شد. او با روسا و اولیا از جمله رکن التولیه در این زمینه گفتگو کرد و بالاخره در ۸ رجب ۱۳۲۵ در ضرورت اصلاحات گفت: «در صورتی که همه ایران مشروطه شده چرا باید آستانه مقدسه ترتیبی صحیح نداشته باشد» (خورشید، شماره ۳۸، سال اول، ۳). افزایش انتقادات نیز بر آغاز اصلاحات تأثیر داشت. یکی از علمای ارض اقدس در نامه‌ای به روزنامه ندای وطن، از ساختار مدیریتی آستان قدس انتقاد کرد و پرسید آیا باز هم می‌خواهند تولیت آستان قدس را مثل سابق حراج بگذارند و هرکس پیشکش زیاده‌تر داد به او بدهند. او با اشاره به اثرات مشروطه بر آستان قدس نوشت: «هرکس متولی آستان قدس شد، اخطار نماید فروش مناصب و گرفتن تقدیم محال است. چون دولت مشروطه شده و مملکت قانونی است». این انتقاد با خبر انتخاب صدرالممالک به عنوان تولیت منتشر شد (ندای وطن، شماره ۶۶، سال اول، ۲).

محمدشفیع صدرالممالک قزوینی فرزند محمدعلی صدرالممالک قزوینی بود که دو بار در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۶ و ۱۳۱۳-۱۳۱۴ متولی آستان قدس شده بود. پدر بزرگش محمدحسین عضدالملک قزوینی نیز دو بار در سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۷ و ۱۲۸۲-۱۲۸۳ همین سمت را داشت. محمدشفیع از سال ۱۲۸۶ تا اوایل مشروطه صاحب منصب صدر دیوان‌خانه بود (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۰۶، ۸۳). شاید براساس این تجربیات در زمینه عدلیه و سابقه خانوادگی در آستان قدس، با انتصاب او به عنوان متولی، مشروطه‌خواهان امیدوار به اجرای اصلاحات در این نهاد موقوفه بودند. روزنامه خورشید (شماره ۵۵، سال اول، ۴ و شماره ۷۶، سال اول، ۲-۳) به ضرورت اصلاحات به اقتضاء زمان، همراهی و آمادگی اولیاء برای تشکیل انجمن آستان قدس اشاره کرد. روزنامه ندای وطن (شماره ۶۶، سال اول، ۲) نیز اظهار امیدواری کرد، صدرالممالک اصول صحیحی برای جمع و خرج آستان قدس اتخاذ کند و قرض‌های آن را بپردازد، به شرطی که ببرتولیه، شیرالتولیه، پلنگ التولیه و سایر ارباب القاب که هر کدام سالیانه

کرورها تومان خورده و برده، روباه بازی درنیاورند و اسباب چینی نکنند. ولی در آن زمان اصلاح آستان قدس فراتر از اختیارات تولید بود و تصمیم‌گیری در این زمینه به مجلس شورای ملی و دربار مربوط می‌شد. روزنامه خورشید (شماره ۵۵، سال اول، ۳) ضمن انتقاد از عدم توجه به اصلاحات آستان قدس آن را اولین وظیفه مجلس شورای ملی و انجمن معدلت رضوی قلمداد کرد.

مخالفان صدرالممالک

محمدشفیع صدرالممالک قزوینی از ۸ رمضان ۱۳۲۵ به عنوان تولید آستان قدس انتخاب شد (ساکماق، سند ۶۱۱۷۸، ۱) و تا ذیحجه ۱۳۲۹ این سمت را داشت. او به عنوان تولید شروع به اصلاحات در زمینه‌های مختلف کرد. از جمله اقدامات او افتتاح مدرسه سادات در باغ تولید بود (بلدالامین، شماره ۱۰، ۱). این مدرسه سابقه طولانی داشت و موقوفات متعددی برای آن در نظر گرفته شده بود. در گزارش این اقدام تأکید شده غیر از محل مدرسه، موقوفه آن را تصرف کرده، برده و خورده‌اند و جمعی از سادات یتیم را سرگردان کرده‌اند. این اقدام توسط جمعی از مدعیان متدین انجام گرفته بود (طوس، شماره ۳۵، سال اول، ۲). مخالفان صدرالممالک پس از شروع اصلاحاتش دست به قلم شدند و علیه وی به مراکز مختلف قدرت در مشهد و تهران نامه‌نگاری کردند. دو نسخه از این نامه‌های بدون تاریخ نشان می‌دهد که نامه‌ها با وساطت والی خراسان خطاب به نایب‌السلطنه، مجلس شورای ملی و وزارت معارف و اوقاف نوشته شده‌است. مخالفان صدرالممالک اظهار امیدواری و به نوعی تهدید کردند اگر درصدد چاره‌جویی برنیایند، خودشان به فکر حفظ مال، جان و شرف خود باشند. در نامه دیگری اعلان کردند، ممکن است دو سه نفری که از صدرالممالک کینه دارند اسباب زحمت فوق‌العاده شوند (ساکماق، سند ۴۹۲۵۹، ۱).

ادعای مخالفان این بود که حاضر نیستند چشم از حفظ مراتب این قبه‌الاسلام ببوشند و قانون پانصد ساله آستانه را برهم بزنند و بیش از این، تخریب اداره آستانه را ببینند. آنها می‌خواستند تا آستانه را از شعبده‌بازی و تقلبات این شخص معلوم‌الحال رها سازند (ساکماق، سند ۴۹۲۵۹، ۳). این ادعاها نشان می‌دهد صدرالممالک قصد داشت ساختار

سنتی تشکیلاتی اداری را که موجب سوءاستفاده فراوان اولیای امور شده بود، برهم زند، ولی سنت‌گرایان که منافع خود را در حفظ این ساختار معیوب می‌دیدند با آن مخالف بودند. اولیای آستانه پس از آنکه نتوانستند اصلاحات را متوقف کنند خودشان با نام اصلاح‌خواه وارد عرصه شدند و تلاش کردند طی مکاتباتی وزارت اوقاف را متوجه اوضاع کنند تا شاید از این طریق به اهداف خود برسند (حبل‌المتین، شماره ۳۲، سال هجدهم، ۱۲-۱۳).

یکی از اولیای آستان قدس که خود را از معززین و اصلاح‌خواهان معرفی کرده و مدعی بود از حال فلاکت‌بار آن اداره آگاه است و مندرجات مطبوعات را برای تغییر اوضاع کافی نمی‌داند، برحسب وظیفه اصلاح‌طلبی خود درصدد نوشتن مرثیه‌ای، آرزویی برای درج در روزنامه حبل‌المتین، برآمد. نوشته‌ای که نویسنده را جزو مخالفان صدرالممالک نشان می‌دهد، زیرا کاستی‌های سابق را متوجه متولی جدید کرده است. وی آرزوهایش را چنین نوشته است: «ای کاش وزیر اوقاف به زودی معین شود. ای کاش که یک نفر مصلح به صفحه خراسان می‌آمد و می‌دید که جمیع موقوفات حضرت رضا را مشتی از بیکاران برده و می‌خورند و همواره ارواح واقفین را در عذاب نگه داشته‌اند (حبل‌المتین، شماره ۲۶، سال هفدهم، ۱۲). این مخالف اصلاحات، هواداران متولی جدید را دو سه نفر صدر طلب و سایر اولیای آستانه را مایل به اصلاح امور معرفی کرد. این بزرگان فهمیده بودند اگر خودشان امور را منظم نکنند، سایرین این کار را خواهند کرد. در آن نوشته اولیایی که عامل فلاکت و بحران اقتصادی آستانه بودند، طرفدار اصلاحات و متولی‌باشی و هوادارانش مخالف اصلاحات معرفی شد. این منتقد، صدرالممالک را جزو دسیسه‌کاران معرفی کرد، ولی مشخص نکرد اولیای آستانه جز بدهی و قرض و اوضاع تأسف بار چه کاری کرده بودند. او بدون در نظر گرفتن شرایط قبل از صدرالممالک، با فرافکنی اعلام کرد که از زمان تولیت او برای جلب یک شاهی، نام نیک خدمات جد و پدرش را در این نهاد مقدس، بر باد داد. گویا متولی ملزم شده تا این دستگاه محترم را با خاک یکسان کند. چنانکه آستانه را ۶۰ هزار تومان مقروض کرده است. این منتقد اتهامات متعددی را متوجه صدرالممالک کرد. از جمله اینکه او در دوره استبداد صغیر خدماتی به نفع محمدعلی شاه انجام داده و هر روز دستخط‌هایی

برای لقب، منصب، خادمی و غیره صادر می‌کند و خود نیز در سال هفت هزار تومان بدون استحقاق می‌گیرد (طوس، شماره ۴۴، سال اول، ۲).

پس از اینکه صدرالممالک شرح فعالیت و وضعیت دارالشفا و صورت جمع و خرج آن را منتشر کرد، موجب امیدواری عموم ملت شد. با این حال پس از آن ایرادهای مطرح شد تا به عنوان استیضاح از تولیت پرسیده شود: ۱- بعد از انتقال دارالشفا از محل سابق کاروانسرای ناصریه آیا عایداتش به دارالشفا می‌رسد؟ ۲- چرا مبلغ ۴۰۰ تومان به اسم جناب شیخ‌الرئیس به عنوان ناظر دارالشفا منظور می‌شد در حالیکه او بیش از بیست سال بود از مشهد مهاجرت کرده بود؟ ۳- مبلغ ۱۰۰۰ تومان نقد و ۱۰۰ خروار جنس به عنوان تعمیر قنات‌ها، لاوصول تخمین زده شد. این مبلغ برای کدام ملک مصرف شد؟ ۴- مبلغ ۴۱۷ تومان و ۵ هزار از بابت کرایه جنس محاسبه شده بود، در حالیکه تمام حواله‌های آستانه را مستاجرین قبض می‌خریدند و جنس نمی‌دادند. ۵- عایدی و مالیات علی‌آباد قوچان که توسط حاجی قائم مقام نوشته شده، متعلق به چه ملکی بود که ۲۶۰ خروار عایدی و ۲۴۰ خروار مالیات داشت؟ نویسنده در پایان از صدرالممالک خواست تا جواب این چند سؤال را برای رفع اشتباه توسط روزنامه منتشر کند (خورشید، شماره ۵۰، سال سوم، ۳). بیشتر این اشکالات نه متوجه متولی وقت بلکه میراث گذشتگانی بود که اولیای آستانه در آن نقش داشتند و از آن سود می‌بردند. مخالفان با این استدلال‌ها خواهان انفصال صدرالممالک از تولیت بودند تا بعد از او مجلسی به اسم اصلاح تشکیل شود. یکی از علل این جنب و جوش‌ها ترس از اصلاحات و به خطر افتادن منافع آنان بود. چون متولی قصد داشت کابینه تشکیل دهد و اولیای آستان قدس، تشکیل آن را امری کاذب و به زیان خود می‌دانستند (حبل‌المتین، شماره ۳۸، سال هفدهم، ۱۳).

انجمن رضویه آستان قدس رضوی

در سال ۱۳۲۵ انجمن رضویه آستان قدس با هدف اصلاح امور این موقوفه تشکیل شد. جمعی از خدام مؤسس این انجمن، علل شکل‌گیری آن را برقراری نظم، رتق و فتق ادارات، اصلاح مفاسد سابق و فراهم کردن مقاصد آتیه ذکر کردند. اعضای آن هیأتی مرکب از علمای اعلام، امنای عظام و خدام بودند (خورشید، شماره ۷۱، سال اول، ۴) که

خود را «دعاگویان خدام آستان قدس» خواندند و اعلام کردند پنج نفر از کشیک‌ها با سرکشیکان جهت اصلاح امور، مجلسی به ریاست حاجی میرزا جعفر کلیدار ضریح تشکیل دهند. برخی که مایل به فعالیت این تشکیلات نبودند، سعی کردند تا آن را متوقف کنند. آنها شب ۱۳ شوال درب منزل حاجی میرزا جعفر رئیس این انجمن، تیراندازی کردند و او را ترساندند تا از این سمت استعفا داد (حبل‌المتین، شماره ۱۷۱، ۳). مشخص نیست این انجمن چقدر همسو با اصلاحات صدرالممالک بوده ولی عده‌ای از اولیای آستان قدس در طی چهار سال تولیت او، با تشکیل هیأت‌های اصلاح‌خواهانه نشان دادند که موافق با اصلاحات از نوع صدرالممالکی و مشروطه‌نیستند.

موضع‌گیری خدام و مطبوعات به اصلاحات

خدام نیز نسبت به اقدامات صدرالممالک واکنش منفی نشان دادند. ۳۶ نفر از خدام که در رأس آنها منصورالتولیه هندی بود، در اواخر سال ۱۳۲۸ شکایتی علیه صدرالممالک به مجلس شورای ملی فرستادند و مدعی شدند مداخل آستان قدس بیش از مخارج آن است و این تراز مالی تا زمان صدرالممالک برابر بوده‌است. آنان متولی را متهم کردند که املاک بزرگ آستانه مثل طرق، نهر خیابان، قصبه آبکوه، کنه‌بیست و قوچان را با چند نفر از امناء تبانی کرده و خود در اجاره آنها شریک شده‌است. آنان بیان کردند که به سبب ترس از شورش مردم، میرزای ضابط^۱ به تهران اعزام شده بود تا آستان قدس را نزد امنای دولت مقروض جلوه دهد. به همین جهت آنها درخواست کردند تا صدرالممالک عزل و فردی باکفایت را به جای او انتخاب کنند. آنها معتقد بودند تا صدرالممالک و میرزای ضابط از آستان قدس عزل نشوند هیچ کاری منظم

۱. ضابط اسناد یکی از مناصب مورثی آستان قدس بود که مسئولیت نگهداری اسناد و مدارک را برعهده داشت. دارنده این منصب را در دوره قاجار ضابط کل اسناد می‌خواندند. میرزا داود حسینی سپس پسرش میرزا شهاب‌الدین حسینی ملقب به آقا میرزا بزرگ و بعد پسرش میرزا ابوالقاسم در سه نسل ضابط کل اسناد آستان قدس بودند. مقارن سال‌های مشروطه سید ابوالقاسم حسینی ضابط کل اسناد شد و این سمت را تا سال ۱۳۴۳ حفظ کرد. آنها اسناد و مدارک را در منزل‌شان نگهداری می‌کردند. یک بار در ۲۶ شعبان ۱۳۳۷ به دستور متولی‌باشی آستان قدس اسناد به کتابخانه منتقل شد و یک‌بار دیگر سلطان اسماعیل خان دیلمی مأمور تشکیل محاسبات آستانه، آنها را به آستان قدس منتقل کرد (بهار، شماره ۶۸، سال دوم، ۲ و شماره ۷۰، سال دوم، ۴، ساکماق، ۶/۱۹۲۱۹۶).

نخواهد شد (ناصری، ۲۲۳). فرد دیگری به نام غلامرضا در اول ذیحجه ۱۳۲۸ طی عریضه‌ای صدرالممالک را متهم به دریافت ۱۹ هزار تومان مساعده و حیف و میل مبالغی دیگر کرد و او را خبیث و حرام‌خوار خواند و درخواست کرد تا ورثه مردم شورش نکرده و او را نکشته‌اند، عزلش کنند (همان، ۲۳۱).

برخی از مطبوعات نیز نسبت به عملکرد صدرالممالک نگاه دوگانه‌ای داشتند. روزنامه‌ها آزادانه بر نقاط ضعف ناشی از عملکرد اولیاء و خدام تأکید می‌کردند. از جمله روزنامه نوبهار (شماره ۱۶، سال اول، ۳) در ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۸ از گفتنی‌های فراوان و دردهای نهفته بی‌پایانی سخن گفت که برخلاف اظهارات خدام بود. وی پرسید «ای حضرت ثامن‌الائمه آیا آن وجدان ملکوتی و مدرک لاهوتی حضرتت روا می‌دارد که آستانت چنین ویران و درگهت اینگونه بی‌بنیان بماند؟ آیا زواری که در این هوای سرد به اسم تمنای حضرت از راه دور و دراز آمده، سزاوار است که شب‌ها در جنب مدفن و زوایای صحنین از بی‌توشگی و گرسنگی و سردی هوا بمیرد و اجزاء و خدام درگهت با پوشاک‌های گرم و خوابگاه‌های نرم، راحت و آرام گیرند؟ عایدات املاکت صرف یاه و بیهوده شود و زوار بارگاہت با نان خشک و آب برنج گذران نمایند؟» نوبهار نسبت به عدم اجرای دستورالعمل قانونی تهران نیز انتقاد داشت.

موضع‌گیری خانه‌زادان آستان‌قدس نسبت به اصلاحات

برخی از وابستگان آستان‌قدس که اصلاحات را به نفع خود نمی‌دیدند، سعی کردند تا بر اوضاع مسلط شده و فراتر از متولی به‌طور علنی مدعی اصلاحات شوند. آنها اجرا یا عدم اجرای اصلاحات را بسته به مساعدت و اقدامات تولیت و اصلاحات را فریضه خود نشان دادند و در این زمینه از تولیت توضیح خواستند. آنان راهی جز اصلاح امور پیش‌بینی نکردند و از عموم ملت خصوصاً علما تقاضا کردند تا در این هدف با آنان متحد شده، از متولی‌باشی توضیح بخواهند تا درصدد اصلاح امور برآید. این گروه که خود را «خانه‌زادان آستان‌قدس» معرفی کردند، شامل میرزا ابوالحسن اعتضادالتولیه، میرزا اسماعیل الحسینی سرکشیک سوم، عبدالعلی رضوی سرکشیک چهارم، میرزا علیرضا رکن‌التولیه سرکشیک اول، میرزا ابوالقاسم الحسینی ضابط اسناد، محمدجعفر

رضوی قوام‌التولیه سرکشیک دوم، میرزا عبدالرضا عضدالتولیه مهرداد، محمد الحسینی ارفع‌التولیه، فضل الله الموسوی فرشباشی پنجم، مویدالوزراء، محمد کاظم رضوی معزالتولیه خادم‌باشی کشیک پنجم و میرزا آقای شهیدی رفعت‌التولیه بودند (نوبهار، شماره ۱۶، سال اول، ۴).

صدرالممالک با اطلاع از عملکرد و اهداف این اولیاء که از عوامل اصلی وضعیت آستان قدس بودند، به افشاگری پرداخت و در ۴ صفر ۱۳۲۹ طی نامه‌ای انتقادی بر مخالفانش تاخت و نوشته آنان را تجاهل عارف خواند که برای اغفال نوشته شده است. او از این خانه‌زادان پرسید خرابی کجاست و آیا متوجه متولی است؟ صدرالممالک ادعای تسامح در اصلاحات را یک دروغ و بهتان خواند، زیرا همه می‌دانستند که او دیناری موجب و مرسوم به کسی از خدام اضافه نکرد و یک نفر بر تعداد مستخدمین نیفزود و حبه و دیناری تخفیف بدون نوشته به مستاجرین نداد و به یکی دو نفر نیز از عشر حق‌التولیه تخفیف داده است. دو سه فقره تنخواه که به عنوان سوءاستفاده او ذکر شد را نیز مضحک خواند، زیرا خود باعث وصول آن تنخواه شده بود. صدرالممالک در مقابل این ادعاها تصمیم گرفت با مخالفانش جدی‌تر برخورد کند و اعلام کرد، خوب است مال‌الاجاره‌ای که نزد مستاجرین مانده و این همه دسیسه‌چینی می‌کنند زودتر بدهند. او پرسید مبلغی که از موقوفات عراق گرفته شده کجا رفته؟ ده یازده هزار تومان مال‌الاجاره مزرعه خیابان کجا صرف شده؟ حساب سه ساله محراب‌خان چرا تفریق نمی‌شود؟ باقی حساب مرحوم حاجی رکن‌التولیه چرا داده نمی‌شود؟ مخالفت خانه‌زادان آستان قدس ریشه دیگری نیز داشت که صدرالممالک به آن اشاره و با تأکید نوشت: «اگر از طرف تحویلدار مطالبه باقی مال‌الاجاره و بقایا می‌شود فوراً جماعتی از ساده‌لوحان را دور خود جمع کرده، بهانه عدم تنظیم کابینه آستانه قدس را جلو می‌اندازند». وی خرابی اوضاع آستانه را به سبب وجود چنین اشخاصی دانست و تأکید کرد علاوه بر حق خود یک حبه از مال وقف بر نداشته است (نوبهار، شماره ۲۶، سال اول، ۲). کشمکش‌های این خانه‌زادان آستانه با صدرالممالک نشان می‌دهد که آنان با فرافکنی خود را مدافع اصلاحات نشان می‌دادند و از طریق انتشار چنین گزارش‌هایی مانع از تشکیل کابینه می‌شدند.

واکنش‌های صدرالممالک

صدرالممالک نیز ایرادهای مخالفان را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت. او برای شفاف‌سازی با انجمن ایالتی و مجلس شورای ملی مکاتباتی داشت. از جمله در ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۸ جوابیه‌ای درباره علل مخالفت صاحب‌منصبان آستان قدس، خطاب به سرکشیکان، میرزای ضابط، عضدالتولیه و سایر منسوبین منتشر کرد (ساکماق، سند ۴۴۴۰، ۱). او پاسخ به ادعاهای بعضی از مخالفانش را توضیح و توضیحات بیان کرد، زیرا علاوه بر چند نفر از اعضای انجمن ایالتی خراسان که جزو اولیای آستانه بودند، سایر اعضای انجمن نیز از اوضاع اطلاع داشتند و مقروض بودن آستانه نیز قبل از تولیت او اتفاق افتاده است. یکی دیگر از ایرادهای وارده، رسیدگی به امور سابق بود که اولیای آستانه چندان تمایلی به آن نداشتند، زیرا بسیاری از سوءاستفاده‌های آنان افشا می‌شد. تولیت به سعیدالتولیه تحویلدار اشاره کرد که قبل از تولیتش ۳۰ هزار تومان نقد و ۳ هزار خروار غله بدهکار بود و موانعی برای رسیدگی به حسابش ایجاد می‌کرد. بالاخره به زور و بدون ملاحظه این کار انجام گرفت. اگر کسر و قرض در زمان صدرالممالک بوجود آمده بود به خاطر تخفیف یا کسر اجاره، عدم وصول مال‌الاجاره یا اعطای مرسوم و موجب تازه بود که کار ناصوابی بود. متولی آستانه ایرادهای وارده درباره حرم مطهر، عمارات مبارکه و جاهای دیگر را متوجه مخالفان کرد، زیرا مراقبت از آنها برعهده سرکشیکان، خادم‌باشیان و فراشباشیان بود (ساکماق، سند ۴۴۴۰، ۲).

نویسنده یکی از نوشته‌های انتقادی علیه صدرالممالک با وجود فقدان امضاء، به خاطر کلمات غرض‌آمیز مشخص بود. او از حقوق هفت هزار تومانی نایب‌التولیه انتقاد کرد در حالی که خود سالی سیصدتومان نقد و شصت خروار غله می‌گرفت. انتقاد از قرض ۶۰ هزار تومانی آستان قدس نیز اشتباه بود، زیرا میزان آن ۳۰ هزار تومان و بازمانده از زمان رکن‌الدوله بود. پاسخ به این انتقادات نشان می‌دهد که نگارش چنین مطالبی بیشتر به دلیل غرض‌های شخصی علیه صدرالممالک بود (طوس، شماره ۴۴، سال اول، ۲).

برخی از جوابیه‌های صدرالممالک به طور آشکار در مطبوعات انتشار می‌یافت و بعضی نیز به تهران ارسال می‌شد. او در یکی از جوابیه‌هایش اطلاعاتی درباره املاک

موقوفه و حقوق و مصارف آن همراه با کتابچه جمع و خرج را ارسال کرد و نوشت: «این مردمی که به تحریک بعضی از مغرضین ورقه مهمور فرستاده و در اینجا نیز صورتی به والی و انجمن ایالتی داده‌اند از تمام جزئیات بی‌اطلاع هستند و تصور کرده‌اند حالا هم زمان قدیم و استبداد است و تحقیق در کارها نمی‌شود». او پیشنهاد داد خوب است بعضی از اولیا که اظهار دوستی می‌کنند و از درآمد موقوفات می‌برند از آن صرف‌نظر کنند (ساکماق، سند ۵۳۱۶۴، ۱۱).

کشمکش صدرالممالک با مخالفانش، آن‌قدر شدید بود که احتمال برانداختن متولی وجود داشت. در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ اخباری مبنی بر احضار او و تعیین آقا میرزا حسن شیخ الاسلام قزوینی منتشر شد. خبری که باعث تعجب موافقان واقعی اصلاحات شد، زیرا با اهتمام جدی صدرالممالک وضع آستانه رو به اصلاح بود (ایران نو، شماره ۱۶۷، ۳). مشروطه از عوامل مؤثر بر اصلاح آستانه بود. صدرالممالک نیز به تأثیر آن بر اقداماتش اشاره داشت و کسب درآمد برای خودش را بی‌اساس خواند و ضمن تشریح ریشه مشکلات گذشته اعلام کرد وضع آستانه را طوری کرده‌اند که بنده از صبح تا شام جز دیدار ارباب توقع و جواب مرسوم‌بگیر، کار دیگری ندارم. آنها تمام وقتم را گرفته و نمی‌گذارند به کار دیگر پردازم. او کسری آستانه را به سبب بی‌مبالاتی سایرین و متولیان سابق دانست که برای هر سال مبلغی از بودجه سال آینده را نیز خرج می‌کردند. او تمام مخارج و مصارف بیوتات آستانه را پرداخت کرد و از بابت حق‌العشر خودش به جز مقدار کمی عایدی نداشت و تمام آن را به قرض و فرع گذرانیده بود (ساکماق، سند ۵۳۱۶۴، ۱۱).

به این ترتیب مشروطه‌خواهان طرفدار اصلاحات نیز فرصتی برای انتقاد از مخالفان بدست آوردند. مخبر مخصوص روزنامه ایران نو (شماره ۱۸۸، ۳) در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ درباره علت مخالفت با اصلاحات، به ریشه استبداد اشاره کرد. مستبدان موقوفات را ملک طلق خود دانسته و هرگونه نظم و اصلاح را مانع دزدی و مفت‌خواری خودشان می‌شمردند و از نگهداری اوضاع منحوسه قدیم و تشبثات خیانتکارانه فروگذاری نمی‌کردند. او از حاجی وزیر بهاء و وظایف‌التولیه‌ها خواست به خرابکاری‌های فوق‌العاده آستانه پایان دهند و بیش از این در اصلاحات آستانه خلل

ایجاد نکنند.

در چنین شرایطی دیگر نهادهای مذهبی نظیر وزارت اوقاف نیز متوجه اصلاحات شدند. یکی از طرفداران اصلاحات، آستان قدس را مأمین مسلمانان توصیف کرد و تغییر ماهیت خدمتگذاران آن را به نقد کشید. با اینکه می‌بایست تمام خدمتگذاران و صاحبان مناصب آن مردمان متقی، پرهیزگار و متدین می‌بودند، ولی به استثنای چند نفر، همه مردمان کلاه‌بردار و چپاولچی بودند که قلم از نوشتن آن عار دارد. هر کدام به عنوانی تقلب می‌کردند، یکی به عنوان شمع دزدی، دیگری به عنوان ضبط نذورات، جمعی به عنوان اخذ موقوفات و بقیه نیز به عنوان وظیفه‌بگیر، اموال حضرت را در نهایت بی‌شرمی می‌بردند و می‌خورند. در نهایت آنها حضرت رضا ۷ را چندین هزار تومان قرض‌دار کردند (حبل‌المتین، شماره ۴۱، سال هفدهم، ۱۵).

تشکیل کابینه آستان قدس رضوی

آستان قدس بعد از مشروطه در قالب ساختار دیوانی کشور قرار گرفت. وزارت داخله برای اصلاح امور آن خواستار ارسال یک مستوفی با صورت جمع و خرج، اسامی اعضاء و حقوق معین آنها به تهران شد. این مأموریت به میرزا ضابط واگذار شد. تحقیق درباره آستان قدس به صدور دستورالعملی مشتمل بر هجده فصل برای اصلاحات منجر شد. مأمور رسمی به عنوان رییس کابینه (دارالانشاء) آستان قدس، عازم مشهد شد تا کابینه تشکیل دهد و محاسبات، اجارات و مستغلات را به طرز صحیح در دفاتر ثبت و عایدات و صادرات بنویسد و راه تقلب را مسدود کند. اما این مأمور بعد از دو ماه اقامت سرگردان و بلا تکلیف ماند. به خاطر نفوذ مخالفان صدرالممالک کابینه‌ای تشکیل نشد. یکی از هواداران کابینه درباره این شرایط از وطن پرستان خراسان استفسار کرد که علت شکل نگرفتن کابینه و اصلاح نشدن امور آستانه مقدس چه بود؟ ولی جوابی دریافت نکرد (ایران نو، شماره ۵۹، سال دوم، ۳). او ناگزیر از طریق روزنامه ایران‌نو (شماره ۵۹، سال دوم، ۳) این سؤال را از اولیای آستانه، ملت و هیأت ادارات عالی‌ه پرسید و درباره فواید کابینه نوشت: «اداره‌ای است که ارسال، مرسول، اجارات، عایدات، صادرات و عایدات متفرقه را تنظیم می‌کند و اداره آستانه مبارکه که

به صد رشته تقسیم می‌شد و هر رشته در واقع اداره‌ای جداگانه بود و اجزاء معین داشت، با وجود عدم کابینه و دفتر ممکن نبود امور تحت نظم درآمد و در مجرای قانون اجرا و اصلاح شود».

اولیای آستان قدس از مخالفان اصلی تشکیل کابینه بودند و برای مخالفت خود مسائل فرهنگی را دستاویز قرار دادند. آنها درباره مخالفت خود می‌گفتند: «چون آستانه مبارکه قبه‌الاسلام است و لازمه تشکیل کابینه داشتن میز و صندلی می‌باشد که فرهنگی مآبی است، این امری خلاف است و نباید ترتیب داده شود» (ایران نو، شماره ۵۹، سال دوم، ۳). همچنین شایعه‌ای مبنی بر قطع حقوق و خلع خدام با هدف همراه کردن خدام در ممانعت از تشکیل کابینه منتشر شد. یکی از هواداران کابینه به سؤالات متعدد مخالفان کابینه چنین پاسخ داد: اولاً آن کسی که امر به تشکیل کابینه داد مسلمان بود. دلیل صدور دستور تشکیل کابینه و دفتر این بود که راه‌های تقلب بسته و درآمد املاک موقوفه به مصرف مشخص آن برسد. باید دفتر صادره و وارده به وجود می‌آمد تا مطابق قانون شرع عایدات هر ملک معلوم و به مصرف مقرر می‌رسید. او مخالفان کابینه را متهم کرد که «حقوق خود را از این وجوه مخلوط حرام دریافت و حلال» می‌کنید. به نظر او مقصود از تشکیل کابینه آن بود تا عایدات، صادرات، صورت قبض، اجارات و احکامات در دفاتر صحیح ثبت و از میان نرود و کلیه امور آستان قدس اصلاح شود. به خاطر فقدان انضباط اداری و مالی حقوق خدمه معطل مانده و آستان قدس در اطراف و اکناف به داشتن قرض مشهور شده بود (ایران نو، شماره ۵۹، سال دوم، ۳).

روزنامه نوبهار برخلاف ادعای اولیای آستانه به ریشه‌یابی مسئله پرداخت. وقتی از تهران تصمیم به اصلاح امور گرفته شد اولیای آستانه درصدد مخالفت برآمدند و گفتند: ما خود امور آستانه را اصلاح و نقائص را رفع خواهیم کرد. بر همین اساس بین روسای خدام و دربانان، قرارنامه‌ای برای اصلاحات امضاء شد که محتوای آن چنین بود: «اینجانبان سرکشیگان پنجگانه، خادم‌باشیان، فراش‌باشان، دربان‌باشیان، خدام، فراشان و دربانان آستان قدس رضوی از این تاریخ به بعد هم‌قسم و ملتزم و متعهد شدیم که برای تنظیم امور آستانه از بقعه مطهره و تعمیر بیوتات متبرکه و سایر ادارات آستان قدس که موافق دستورالعمل و وقف‌نامه‌ها که سابقاً برای اداره آستان قدس معین

نموده‌اند رفتار و اقدام نماییم که بیشتر از این اسباب توهین و سرزنش داخلی و خارجی نشویم» (نوبهار، شماره ۲۰، سال اول، ۴). امضاءکنندگان این قراردادنامه همان مخالفان اصلاحات و تشکیل کابینه بودند. عضدالتولیه مهرداد، ضابط آستانه، سرکشیکان پنجگانه، فراش‌باشیان پنجگانه، میرزا احمد خادم‌باشی سوم، معززالتولیه، خادم‌باشی پنجم. بهاء‌التولیه، حاجی میرزا دربان‌باشی و سایر خدام، فراش و دربان‌ها از امضاء کنندگان آن بودند (همان). این گروه از اولیای آستانه با وجود امضای تعهدنامه در عمل اقدامی انجام ندادند.

با اعزام مأمور رسمی برای تشکیل کابینه مخالفان اصلاحات از اوایل صفر ۱۳۲۹ تبلیغات علیه صدرالممالک را تشدید کردند و بدون اشاره به عوامل مخرب نوشتند، اوضاع آستانه سالیان دراز است که اصلاحات لازم دارد. صدرالممالک چند مرتبه درصدد اصلاح برآمد اما اشخاصی که مال حضرت را به مفت برده و می‌خوردند مانع شدند. مخالفان با نشان دادن ابعاد منفی سفر میرزای ضابط، آن را به تمسخر گرفتند و ضمن متهم کردن او سعی کردند نتیجه سفرش را منفی جلوه دهند. از جمله اینکه مبالغی به عنوان هزینه سفر به خرج حضرت آورد و اضافه مواجب برای خود تعیین کرد و با آوردن رئیس کابینه، ماهیانه مبالغی بر مخارج آستانه بابت آن اضافه کرد. همچنین آنها میرزای ضابط را متهم به بدهکاری هیجده هزار تومانی بابت اجاره املاک کردند (حبل‌المتین، شماره ۳۱، سال هیجدهم، ۶).

اعتراضات اولیای آستانه نسبت به اصلاحات در مرحله دوم بیشتر به خاطر ترس از استقرار کابینه بود، زیرا ممکن بود دخل و خرج آنها به‌طور دقیق محاسبه شود. در این شرایط از تهران برای رفع نگرانی قطع حقوق خدام شفاف‌سازی شد. مشیرالدوله در اربع‌الثانی ۱۳۲۹ درباره کابینه آستان قدس و ضرورت وجود آن نوشت: «امور آستانه مثل یک وزارتخانه بزرگ است و ناگزیر از داشتن قاعده و نظم می‌باشد. وظیفه دارالانشاء یا کابینه آستانه قطع حقوق و خلع منصب اهالی بر خدام و غیره نیست. خدا می‌داند این مسئله دروغ محض است» (نوبهار، شماره ۳۷، سال اول، ۳۰۲). قطع حقوق به‌کلی از وظیفه کابینه خارج بود. هدف دیگر این بود که تولید با شبهه یا هوای نفس نتواند احدی را از خدمت عزل یا حقوق کسی را قطع کند و وظیفه کابینه حفظ

نوشته‌های تولیت راجع به آستانه بود. به همین جهت نایب‌السلطنه برای رفع شبهه، لفظ کابینه را تغییر داد و آن را دارالانشاء نامید و بی‌طرفی خود را با اولیاء و مستخدمین آستان قدس اعلام کرد (همان).

هیأت اصلاح‌خواهان آستانه مقدسه رضوی

ارسال دستورالعمل اصلاحات و تأکید بر استقرار کابینه باعث شد اولیای آستانه، انسجام بیشتری پیدا کنند و هیأت جداگانه‌ای تشکیل دهند. آنان «هیأت اصلاح‌خواهان آستانه مقدسه رضوی» را به وجود آوردند و در ۱۳ صفر ۱۳۲۹ طی نامه‌ای خطاب به نایب‌السلطنه خود را «خانه‌زادان آستان ملایک پاسبان» و طرفدار مشروطه خواندند و اصلاحات را فریضه مسلمانی و لازمه نمک‌شناسی خود دانستند که در زمان برخورداری از نعمت مشروطه و آزادی گفتار تقاضای اصلاحات کردند. چون اوضاع بی‌اندازه مغشوش و پریشان شده بود از ترس اینکه بیش از این بدنام، متهم و مورد طعن و تمسخر دوست و دشمن قرار نگیرند، مدعی شدند هر چه در این مدت صبر کردند نه تنها اصلاحی صورت نگرفت، بلکه روز به روز اوضاع مغشوش‌تر شد. لذا به‌طور کتبی و تلگرافی عرایض خود را به مقامات عالی‌ه نوشتند ولی جواب آنان به بازگشت ولیعهد موکول شد. اکنون که وی بازگشته بود تقاضا کردند به عرایض آنان رسیدگی شود تا موقوفات آستانه طبق وقف‌نامه‌ها به مصرف برسد و آنان از بدنامی‌هایی که دچار شده‌اند، بیرون آیند و در کمال سرافرازی در آستان قدس مشغول خدمتگذاری و دعاگویی باشند (حبل‌المتین، شماره ۳۲، سال هیجدهم، ۱۲ و ۱۳).

اگرچه آنان نامی از صدرالممالک نبردند ولی اصرار آنها بر اصلاحات، نشانه نارضایتی از اقدامات متولی و هدف آنها حذف صدرالممالک بود.

برخی دیگر از مخالفان صدرالممالک نیز طی نامه‌نگاری به مجلس شورای ملی به‌طور آشکارا مخالفت خود را نشان دادند. عدم رسیدگی مجلس به تمام عریضه‌ها و شکایت‌ها نیز مورد انتقاد بود. مشهدی آقا بزرگ در عریضه ربیع‌الاول ۱۳۲۹ تیغ تیز انتقاد را علاوه بر صدرالممالک متوجه مجلس شورای ملی کرد و نوشت: «این قدر که در روزنامه‌ها نوشتند این قدر که تمام مردم داد زدند که صدرالممالک آستانه را خراب

کرده و صد هزار تومان مال آستانه را از میان برده کسی توجه نکرد». استدلال او در انتقاد از مجلس این بود که سی کرور نفوس شما را انتخاب کردند که دردی را چاره نمایند نه اینکه هرچه مردم عریضه بنویسند، نتیجه ندهد (ناصری، ۲۱۷).

تلاش‌های صدرالممالک و مخالفت‌های اولیای آستان قدس در سوق دادن اصلاحات به سوی منافع خود باعث شد تا اصلاحات خارج از توان آن نهاد موقوفه به نظر برسد. به همین جهت مذاکره در سطحی فراتر از آستانه شکل گرفت. حضور علما و دیگر صاحب‌منصبان خراسان در این مذاکرات مانع از اعمال نفوذ اولیای آستانه می‌شد. با این مقدمات مجلسی با حضور والی خراسان، علما، تولید و امنای آستانه در ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ برگزار شد. نتیجه مذاکرات این شد که مجلسی مرکب از علمای اعلام و امناء با بصیرت آستان قدس با نماینده ایالت و انجمن ایالت جهت تصفیه امور مطابق قانون شرع، وقف‌نامه‌ها و نیازهای ضروری تشکیل شود (الکمال، شماره ۹، سال اول، ۱۹). این ترکیب علاوه بر اولیای آستان قدس شامل روسای سایر ادارات دولتی نیز می‌شد.

از آنجا که اولیای آستانه حضور صدرالممالک را مخالف خواسته‌های خود می‌دیدند، شایعه پراکنی درباره جایگزینی وی را گسترش دادند. برای بار دوم در ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ خبری منتشر شد که معتمدالوزاره به جای صدرالممالک متولی شده‌است (حبل‌المتین، شماره ۴۶، سال هیجدهم، ۱۴). عملی نشدن این اخبار انتقادات را رسمی و علنی‌تر می‌کرد. یکی از مخالفان علیه صدرالممالک نوشت: «مادامی که این شخص سمت تولیت آستانه دارد، بی‌انتظامی آستانه مقدسه اصلاح نخواهد شد. چنانچه تا حال جز خرابی اقدام دیگر به عمل نیامده و نخواهد آمد». این منتقد علت عدم اصلاحات را به‌خاطر طرفداری متولی از اعیان و موجب‌خواران نخبه دانست، زیرا آنها هم عرایض خود را به تهران می‌گفتند و به کمک هم اموال موقوفه را می‌خوردند. این منتقد معتقد بود متولی‌ای که طی چهار سال جز خرابی، اصلاحی به عمل نیاورده و همه جراید خرابکاری او را مکرر نوشته‌اند، باز در سمتش هست. انتقادات فراتر از متولی متوجه وزراء نیز بود که گویا اصلاً راضی به اصلاحات مملکتی نبودند و الا به چه دلیل شخصی‌کردن را برای تولیت نمی‌فرستادند که امور را به مجرای صحیح بیندارد (حبل‌المتین، شماره ۱، سال نوزدهم، ۱۰).

با این حملات مستقیم علیه صدرالممالک، بقیه اجزای آستانه نیز وارد عمل شدند. سرکشیکنان و خدام نیز اظهار نظر کردند که با این اوضاع ناگوار مملکت در آینده، نه آستانه‌ای برای آنها خواهد ماند و نه خدام. آنان علیه صدرالممالک دست به تحصن زدند. تحصنی که سه چهار روز طول کشید (نوبهار، شماره ۵۸، سال اول، ۲) و عزل متولی را از تهران خواستند (حبل‌المتین، شماره ۲، سال نوزدهم، ۱۸). پیگیری خدام در این قسمت به نتیجه رسید و به‌جای صدرالممالک، مرتضی قلی‌خان طباطبایی متولی شد. اولیای آستان قدس در کشمکش با صدرالممالک اگرچه مانع از اصلاحات عمیق در این نهاد موقوفه شدند ولی زمینه برای تصویب «قانون موضوعه آستانه متبرکه رضویه» در ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ فراهم شد. در ابتدای این قانون به صراحت اشاره شده، وزارت معارف و فواید عامه و اوقاف برحسب وظیفه مصمم شد ترتیبی راجع به اصلاحات مقتضی بدهند (کریمیان، ۳۹). نتیجه دیگر این کشمکش‌ها تثبیت دخالت شاه و وزارت اوقاف در امور آستان قدس بود. چون امور آستانه راجع به شخص شاه و نایب‌السلطنه بود، کلیه امور این نهاد موقوفه به‌طور قانونی به وزارت اوقاف داده شد (همان)؛ امری که تا آن زمان چندان مرسوم نبود.

نتیجه

وضعیت مالی و مدیریتی آستان قدس در آستانه انقلاب مشروطه همچون بسیاری از نهادهای مالی ایران مساعد نبود و به عنوان یک نهاد مقروض شناخته می‌شد. عوامل مختلفی مانند متولی‌ها، خدام، مستاجران و ساختار اداری بر این وضعیت تأثیر داشت. با انقلاب مشروطه و تغییر شرایط سیاسی انتقاد از وضعیت آستان قدس و تمایل به اصلاحات افزایش یافت. در چنین شرایطی صدرالممالک قزوینی که سابقه اجدادی در مدیریت این نهاد موقوفه داشت، متولی آستان قدس شد. او وارث مشکلات مالی و ساختار معیوب گذشته این نهاد موقوفه بود. صدرالممالک اصلاحات در آستان قدس را از مدرسه سادات رضوی شروع کرد و قصد داشت ساختار و تشکیلات سنتی این نهاد موقوفه را اصلاح کند ولی با اعتراض و مخالفت اولیای آستانه مواجه شد. آنها اعتراض مکتوب خود را برای نایب‌السلطنه، مجلس شورای ملی و وزارت اوقاف فرستادند و

اعلام کردند حاضر نیستند قوانین پانصد ساله آستانه را برهم زنند. معترضان هراس داشتند، اصلاح ساختار و تشکیلات اداری علاوه بر افشای سوءاستفاده‌ها، زمینه سنتی چنین عملکردی را از بین ببرد. از این رو آنها تلاش کردند تا صدرالممالک را از اصلاحات منصرف کنند. پس از ناکامی در این زمینه ضمن معرفی خود به عنوان مدافع اصلاحات، مشکلات سابق را متوجه متولی جدید کرده و او را دسیسه‌کار معرفی کردند. این اقدامات از سوی متولی بی‌پاسخ نماند. یکی از علل مخالفت اولیای آستان قدس، تشکیل کابینه یا دارالانشاء بود. آنها اصلاح تشکیلات اداری را مخالف منافع خود می‌دیدند و تشکیل کابینه و استفاده از میز و صندلی را فرنگی مآبی قلمداد می‌کردند. این کشمکش‌ها باعث انسجام بیشتر اولیای آستان قدس در قالب هیأت اصلاح خواهان آستانه مقدسه رضوی شد که برای انحراف افکار عمومی خود را مدافع اصلاحات نشان دادند و متولی آستان قدس را متهم به سوءاستفاده مالی کردند. مکاتبات طرفین برای انجمن ایالتی، مجلس شورای ملی و مطبوعات ابعاد، ریشه‌های بی‌نظمی و علت مقروض شدن این موقوفه بزرگ را عیان کرد و نهادهای دیگری نظیر دربار، نایب‌السلطنه، وزارت داخله و اوقاف درگیر اصلاحات آستان قدس شدند. اولیای آستانه قدس برای حذف صدرالممالک شایعات متعددی منتشر و حتی او را به مرگ تهدید کردند. سپس خدام را به سوی تحصن سوق دادند و توانستند بعد از چهار سال کشمکش صدرالممالک را از تولیت عزل کنند. این چالش‌ها مانع اصلاحات شد ولی مشکلات را به مراکز تصمیم‌گیری در تهران انتقال داد و زمینه تصویب قانون موضوعه آستانه متبرکه را در ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ فراهم کرد. چالش‌های صدرالممالک با اولیای آستان قدس باعث دخالت مستقیم شاه و نایب‌السلطنه در امور آستانه و قرار گرفتن مدیریت این نهاد بزرگ تقریباً مستقل به عنوان زیرمجموعه وزارت اوقاف شد.

منابع

- احتشام کاویانیان، محمد، شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۵۵ ش.
- ایران نو، سال اول شماره‌های: ۱۶۷، ۱۸۸. سال دوم شماره ۵۹.
- بلدالامین، سال اول شماره ۱۰.
- بهار، سال دوم، شماره ۶۸ و ۷۰.
- حبل‌المتین، سال هفدهم شماره‌های: ۱۷۱، ۲۶، ۳۸، ۴۱. سال هجدهم شماره‌های: ۳۱، ۳۲، ۴۶. سال نوزدهم شماره ۱، ۲.
- خورشید، سال اول شماره‌های ۳۸، ۵۵، ۷۱، ۷۶. سال دوم شماره ۱۴۲. سال سوم شماره ۵۰.
- ساکماق (اسناد مرکز اسناد آستان قدس): ۴۹۲۵۹/۱، ۴۹۲۵۹/۳، ۴۴۴۴۰/۱، ۴۴۴۴۰/۲، ۵۳۱۶۴/۱۱، ۶۱۱۷۸/۱.
- سوهانیان حقیقی، محمد و رضا نقدی، آستان قدس رضوی، متولیان و نایب‌التولیه‌ها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- طوس، سال اول، شماره ۳۵، ۴۴.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و اکرم ناصری، «تأثیر کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی در فرهنگ تشیع (مطالعه موردی: عصر قاجاریه)»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ششم، تابستان، ۱۳۹۱ ش، صص ۷۷-۱۰۷. 6.4.6.1.22519726.1391.1.201001 DOR:
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود میرزا سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶ ش.
- کاظم بیگی، محمدعلی، «سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ق)»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۴۷-۲۷۲. 27882.1995.2020 shc.2020.30465/10 DOI:
- کریمیان، علی، «تشکیلات آستان قدس رضوی ۷ پس از انقلاب مشروطیت (۱۳۲۹ق)»، دفتر اسناد، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش.
- الکمال، سال اول شماره ۹.

- مدیر شانه‌چی، محسن و ملیحه خوش‌بین، «نقش روسیه در سرکوب انقلاب مشروطه مشهد»، جستارهای تاریخی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۷-۱۳۷.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، تهران، زوار، ۱۳۷۱ش.
- موتمن، علی، تاریخ آستان قدس، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۴۸ش.
- ناصری، اکرم، «کارکردهای سیاسی - اجتماعی تولیت آستان قدس رضوی در دوره قاجار»، استاد راهنما: زهرا علیزاده بیرجندی، گروه تاریخ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۹ش.
- ندای وطن، سال اول، شماره ۶۶.
- نقدی، رضا، تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۹ش.
- نوبهار، سال اول شماره‌های: ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۳۷، ۵۸.

